

ایذه

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	مالمیر
طول جغرافیائی:	۴۹ درجه و ۵۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۱ درجه و ۴۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۸۳۵ متر	وسعت:	۶۲۰۱ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۲۰۱ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- اعراب ایذه را ایذج نامیده‌اند که به معنی بر لب رود نهاده می‌باشد و بعلت نزدیکی به رودخانه ایذه به این نام خوانده شده است.
- ۲- ایذه تغییر شکل داده شده ایجه و ایگه فارسی باستان است که به معنی مسکن و محل زندگی یا شهر و آبادی است.
- ۳- اریگ و ایج به معنی زیج است و بعلت وجود زیجهای نجومی فراوان در این منطقه بدین نام خوانده شده است.
- ۴- ایذه را تغییر یافته آنزان عیلامی می‌دانند و می‌گویند در دوره هخامنشی اینزان و سپس به اینزه و اینج و اینزه تغییر شکل داده است.

ایرانشهر

نام استان:	سیستان و بلوچستان	نام قدیم:	پوره - فهرج
طول جغرافیائی:	۶۰ درجه و ۴۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۷ درجه و ۱۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۵۶۶ متر	وسعت:	۵۵۲۲۱ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	زاهدان ۳۶۵ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- پوره به معنی شهر در دوره ساسانی است و سپس با ورود اعراب به پوره و سپس فورج و فهرج شده است.
- ۲- در دوره رضاخان فهرج را به معنای فارسی آن شهر نامیده و سپس به ایران شهر تغییر اسم داده است.

ایلام

نام استان:	ایلام	نام قدیم:	حسین آباد والی
طول جغرافیائی:	۴۶ درجه و ۲۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۳ درجه و ۳۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۱۷۴ متر	وسعت:	۲۲۶۷ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۷۲۳ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- این شهر محل اردوگاه و عمارت پارک «حرمسرا و محل زندگی» حسینقلی خان یکی از والیان پشتکوه بوده لذا به نام وی معروف شده است.

۲- در سال ۱۳۱۵ حسین آباد والی به ایلام که به معنی سرزمین بلند یا کوهستانی و به یاد سلسله کهن عیلامیان نامگذاری شده است.

بابل

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	مامطیر - بارفروش
طول جغرافیائی:	۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۲ - متر	وسعت:	۱۹۸۷ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۴۰ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱ - علت نامگذاری بارفروش آن بوده است که بارهای بابلسر به این منطقه حمل و فروخته می شد و از این جهت به بارفروش معروف گشته بود.
- ۲ - در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی بعلت همجواری با رودخانه بابل که از کنار آن می گذرد به بابل تغییر نام داده است.
- ۳ - رودخانه منطقه بابل رود بوده که شهر را به نام وی گذاشته و بر اثر کثرت استحمال به بابل رود تغییر نام داده است.
- ۴ - مامطیر را تغییر یافته مدمیترا و مامیتر می دانند که حکایت از مهر و میتراپرستی در منطقه است. گروهی اعتقاد دارند این منطقه از مراکز تجمع میترائیستها بوده است.

بابلسر

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	مشهدسر
طول جغرافیائی:	۵۲ درجه و ۳۸ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۲۲ - متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۶۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - مشهدسر به معنی مزار شهید و یا محل شهادت بالا می باشد. مربوط به مدفن امامزاده ابراهیم ابوجواب ملقب به اطهر برادر امام رضا (ع) است که در همان محل به شهادت رسیده و دفن گردیده اند.
- ۲ - بعلت نزدیکی به بابل و این نکته که این بخش بندرگاه بابل بوده به نام بابلسر نامیده شده است.

بادرود

نام استان: اصفهان فاصله تانزدیکترین نقطه: نظنز ۳۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت مقدس بودن منطقه و اهمیت داشتن این منطقه از نظر ایرانیان باستان نام منطقه راباد که یکی از چهارعنصر اصلی نزد ایرانیان بوده و مقدس و محترم شمرده شده است گذاشته‌اند.
- ۲- بعلت سرسبز بودن این منطقه در مقطع تاریخی نامشخصی پسوند رود به نام باد اضافه شده و نام شهر بادرود گشته‌است.

باغ ملک

نام استان: خوزستان نام قدیم: جانکی
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۵۳ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۱ درجه و ۳۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۷۱۹ فاصله تانزدیکترین نقطه: ایذه ۴۶ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- نام جانکی مخفف جوانکی است که نام طایفه ساکن در منطقه بوده است.
- ۲- باغ ملک حکایت از سرسبزی و شادمانی زمین است که متعلق به بزرگ و یاخان سی‌باشد.

بوازجان

نام استان: بوشهر وسعت: ۵۳۴۶ کیلومترمربع
 طول جغرافیائی: ۵۱ درجه و ۱۲ دقیقه عرض جغرافیائی: ۲۹ درجه و ۱۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۷۲ متر فاصله تانزدیکترین نقطه: بوشهر ۷۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- چون در اطراف این محل‌گراز فراوان بوده از این رو آنجا را گرازدان گفته‌اند و بر اثر گذشت زمان بتدریج گرازان و بعد برازجان شده است.

بانہ

نام استان:	کردستان	نام قدیم:	به روزہ
طول جغرافیائی:	۴۵ درجه و ۵۵ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۵۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵۵۰ متر	وسعت:	۱۲۹۳ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سنندج ۲۳۹ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بانہ را به معنی خانه گفته‌اند که منظور از اقامتگاه و آبادی و مسکن است.

۲- نام بانہ از کلمه کردی بان بمعنی پشت‌بام گرفته شده است و علت را وجود ارتفاعات اطراف شهر بانہ می‌دانند.

۳- بانہ را بمعنی ارد و نیز ذکر کرده‌اند و می‌گویند که اردوگاه سربازان بوده است.

۴- بانہ بمعنی پادگان نیز ذکر شده است و چون شهر دارای ۲ قلعه بزرگ بوده به این نام خوانده می‌شده

است

۵- در قدیم به روزہ بوده است و به به‌روژہ کون معروف است یعنی بهترین مکانها می‌باشد.

بجنورد

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	بیژن‌گرد
طول جغرافیائی:	۵۷ درجه و ۲۰ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۰۷۰ متر	وسعت:	۱۷۲۴۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۳۴۸ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بیژن‌گرد به معنی شهر بیژن بوده که بمرور زمان به بوزن‌گرد و سپس معرب شده بجنورد نامیده شده

است.

بروجرد

نام استان: لرستان
 طول جغرافیائی: ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۵۴ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۵۸۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: خرم آباد ۱۰۶ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- هنگامیکه یزدگرد سوم در جنگ نهاوند از اعراب شکست خورد و سپاهیانش پراکنده شدند در محل بروجرد دوباره لشکریان بر او گرد آمدند بدین مناسبت آنجا را بروگرد نامیدند و پس از معرب شدن بروجرد شد.

۲- برخی بروجرد را در اصل بروگرد میدانند زیرا در اطراف آن میوه و باغات فراوانی وجود دارد و این کلمه بعداً تبدیل به بروجرد شده است.

۳- درابتدا پیروزه گرد بوده که از بناهای خسرو پرویز می باشد و کم کم بر اثر گذشت زمان به بروجرد مبدل گشته است.

۴- این کلمه تغییر یافته و یروگرد است و یرو یکی از حکام اشکانی بوده که این محل را ساخته است.

۵- بروجرد از بناهایی است که به دست فیروز ساسانی ساخته شده و به فیروزگرد موسوم بوده است که این کلمه بواسطه کثرت استعمال به بروجرد تبدیل شده است.

۶- به این شهر اروگرد گفته اند زیرا بنای آنرا به ارداشکانی نسبت می دهند. بعدها بر اثر کثرت استعمال به آن بروگرد و بروجرد گفته اند.

بستان آباد

نام استان: آذربایجان شرقی
 طول جغرافیائی: ۴۶ درجه و ۵۰ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۵۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۶۷۹ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تبریز ۵۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- بعلت وجود باغات و جنگلهای فراوان و سرسبزی منطقه همراه با اقامتگاههای مختلف به بستان آباد یعنی مکان سرسبز و خرم معروف شده است.

بسطام

نام استان: سمنان فاصله تانزدیکترین نقطه: شاهرود ۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- این شهر از بناهای بسطام دایی خسرو بن هرمز بن نوشیروان می باشد.
- ۲- این شهر از بناهای بسطام سردار معروف خسرو پرویز فرمانروای خراسان و گرگان و طبرستان و قومس بوده است.
- ۳- کلمه بسطام را مشتق از کلمه ویستاخما می دانند که کلمه ای فارسی پهلوی و از اجزاء اوستا می باشد.
- ۴- بسطام را تغییر یافته و سطام می گویند که نام یکی از بزرگان ساسانی در خراسان است.

بشاور

نام استان: فارس فاصله تانزدیکترین نقطه: کازرون ۳۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- کلمه بشاور را تغییر یافته به شاپور می دانند و می گویند که شاپور بن اردشیر بابکان آنرا عمارت کرده و آنرا به نام خود بشاپور خواند که اصل آن بناء شاپور است به شاپور به معنای شاپور نیک است.

بشرویه

نام استان: خراسان فاصله تانزدیکترین نقطه: فردوس ۱۰۳ کیلومتر

طول جغرافیائی: ۵۷ درجه و ۲۵ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۵۲ دقیقه

وجه تسمیه:

- ۱- بش گیاهی است که در این محل میروید و نام بشرویه از این گیاه گرفته شده است. بشرویه یعنی بش روینده.

بم

نام استان: کرمان
 طول جغرافیائی: ۵۸ درجه و ۲۱ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۲۹ درجه و ۵ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۰۶۲ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمان ۱۸۵ کیلومتر
 وسعت: ۱۹۴۸۰ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- می‌گویند که کرم هفتواد در این شهر با صدای بم ترکیب لذا بهمین سبب آنرا بم نامیدند.
- ۲- کلمه بم بمعنای بلندی و رفیعی است و چون این منطقه را ارگ بم می‌خوانند می‌گویند که بعلت اینکه بلندترین منطقه به نسبت اطراف بوده آنرا ارگ بلند و رفیع یا ارگ بم گفته‌اند.
- ۳- بنای این شهر را به بهمین بن اسفندیار لقب داده‌اند لذا بم را مخفف بهمین دانسته‌اند.

بمپور

نام استان: سیستان و بلوچستان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ایرانشهر ۲۱ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- بعلت قرارگرفتن قلعه نزدیک شهر که از قلعه بم کوچکتر است به نام قلعه بمپور و بعدها شهر به نام بمپور معروف شده است.

بناب

نام استان: آذربایجان شرقی
 طول جغرافیائی: ۴۶ درجه و ۳ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۲۰ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۳۰۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: مراغه ۱۹ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- علت اینکه این جلگه را بناب نامیده‌اند این است که آب در این ناحیه خیلی نزدیک به سطح زمین قرار گرفته است آنرا بناب یعنی شهری که بنای آن آب می‌باشد نامیده شده است.

بندرآباد

نام استان: یزد فاصله تانزدیکترین نقطه: یزد ۳۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - در تلفظ محلی آنرا بندروا گویند بنای آن در تاریخ افسانه‌ای یزد به بندار از امرای پادشاهان عجم نسبت داده شده است.

بندرانزلی

نام استان: گیلان وسعت: ۳۷۵ کیلومتر مربع

طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۴ - متر فاصله تانزدیکترین نقطه: رشت ۳۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - انزل نام شخصی است که در این منطقه ساکن شده و لذا به نام وی منطقه را منسوب به آن دانسته‌اند.
- ۲ - انزل را گرفته شده از نزول می‌دانند زیرا می‌گویند که بیشترین میزان بارندگی را این منطقه داراست.
- ۳ - انزل را مشتق از نزول می‌دانند زیرا در زمان طوفان همراه با آب بسیاری از وسایل در این منطقه نزول کرده و باقی می‌ماند.

بندر ترکمن

نام استان: مازندران نام قدیم: بندرشاه

طول جغرافیائی: ۵۴ درجه و ۴ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۰ - متر وسعت: ۱۷۳۸ کیلومتر مربع

فاصله تانزدیکترین نقطه: ساری ۱۱۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - بعلت قرار گرفتن این بندر در منطقه ترکمن نشین ترکمن صحرا به آن بندر ترکمن گفته‌اند.

بندرکیاشهر

نام استان: گیلان
 فاصله تانزدیکترین نقطه: آستانه اشرفیه ۱۸ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۵۵ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۲۴ دقیقه
 نام قدیم: بندرحسن کیاده - فرح ناز
 وجه تسمیه:

۱- این شهر را منسوب به حسن کیا از سادات علوی و پادشاهان آل کیا می دانند. حسن کیا در گیلان حکومت می کرده است.

بندر دیلم

نام استان: بوشهر
 نام قدیم: دیله
 فاصله تانزدیکترین نقطه: بوشهر ۲۱۷ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- دیلم به معنی چشمه آب و محل آب است و بعلت نزدیکی به دریا آنرا دیلم گفته اند.

۲- از کلمات دیل و دیله مشتق شده است بمعنی آبرفت و زمین رسوبی است.

۳- این بندر نام خود را از دیلمون که نام قدیمی جزیره بحرین گرفته است و احتمال می دهند مرکزی جهت حرکت بسوی بحرین بوده است.

بندر سلیمانان

نام استان: خوزستان
 فاصله تانزدیکترین نقطه: آبادان ۳ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- این بندر توسط شخصی موسوم به سلیمان بن جابر ملقب به زاهد احداث گردیده است لذا به نام وی محل را سلیمانان نام گذاشته اند.

بندر ظاهری

نام استان: بوشهر
 نام قدیم: سیراف
 فاصله تانزدیکترین نقطه: بوشهر ۲۳۵ کیلومتر
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۹ متر
 وجه تسمیه:

- ۱- می‌گویند که سیراف از واژه سیر و آب تشکیل شده که به معنای آب زیاد است.
- ۲- می‌گویند که از شیل و آو به معنای ماهی و آب مأخوذ شده است.
- ۳- می‌گویند که از سیل آب تشکیل شده که سیل در فارسی حرکت کردن و آب هم که دنبال آن است و معنی حرکت کردن آب را می‌رساند.
- ۴- می‌گویند کیکاوس خواست به آسمان صعود کند و چون با تخت بریال مرغان بسته‌اش صعود نمود و از چشم مردمان پنهان شد خداوند باد را فرمود که او را فرود اندازد پس فرو افتاد و گفت به من شیر و آب دهید و او را نوشتند از آن جهت است که نام شهری که کیکاوس در آن فرو افتاد شیر آب شد و بصورت سیراف درآمد.

بندر عباس

نام استان: هرمزگان
 نام قدیم: گمبرون
 طول جغرافیایی: ۵۶ درجه و ۱۸ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۲۷ درجه و ۱۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۰ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: تهران ۱۵۰۱ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- گمبرون قبل از صفویه در تصرف پرتغالیها بود و در سال ۱۶۲۳ میلادی که شاه‌عباس پرتغالیها را از این بندر اخراج و محل مزبور را تصرف نمود و سپس به نام وی به بندرعباس تبدیل شد.
- ۲- گامبری نام خرچنگهای دریایی کوچکی است که در این محل به فراوانی یافت می‌شده است.

بندر گناوه

نام استان:	بوشهر	نام قدیم:	جنابه - مهروبان
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۳۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۹ درجه و ۳۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۵ متر	وسعت:	۵۲۳۹ کیلومتر مربع
فاصله تازدیکترین نقطه:	بوشهر ۱۶۵ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- این شهر را از بناهای جنابه بن طهمورث می دانند.
- ۲- آنرا گفته یا آبگنده نیز گفته اند می گویند بعلت امتزاج آب و نفت آب آنجا خوشگوار نبوده است.
- ۳- کلمه گناوه که معرب آن جنابه است از کلمه گنداب آمده است.
- ۴- نام مهروبان از ماه رویان به معنی شهر رویان یا شهر میگو گرفته شده است.
- ۵- مهروبان را تغییر یافته ماهی رویان می دانند.
- ۶- بعلت چرکین بودن ساحل و آب آن به آب گنده و گفته معروف و بر اثر کثرت استعمال گناوه شده است.

بندر لنگه

نام استان:	هرمزگان	وسعت:	۲۱۴۳۶ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۴ درجه و ۵۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۶ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳ متر	فاصله تازدیکترین نقطه:	بندر عباس ۲۴۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- گروهی معتقدند که شهر لنگه بعلت آبادانی، بزرگی و جمعیت زیادی که در گذشته داشته به لنگه یا لنگه دنیا معروف بوده و ظاهراً با این تعبیر خواسته اند بگویند بندر لنگه، لنگه و همانند دنیا می باشد.
- ۲- بعضی دیگر نظر بر این دارند که لنگه همتای بندر بمبئی از نظر جمعیت و فعالیت تجارتي بوده و خواسته اند بگویند این بندر همتا و لنگه بمبئی است و از این رو اسم لنگه روی این بندر باقیمانده است.
- ۳- لنجه به زبان عربی یعنی بیلاق و بادیه نشینی است و چون آب و هوای بندر لنگه نسبت به مابقی نقاط خلیج فارس مطلوب بوده است و شیوخ خلیج فارس فصل گرما را در این نقطه می گذرانند به آن لنجه و سپس لنگه گفته اند.

بندر نابند

نام استان: هرمزگان

وجه تسمیه:

۱- نابند را از کلمه ناوید و آن نقطه را محل توقف و پناهگاه کشتیها گفته و از آن جهت آنرا ناویه یا نابند را برای آن بندر دانسته‌اند.

بوشهر

نام استان:

بوشهر

نام قدیم:

لیان - ریشهر

طول جغرافیائی:

۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه

عرض جغرافیائی:

۲۸ درجه و ۵۹ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد:

۵ متر

وسعت:

۹۹۴/۵ کیلومتر مربع

فاصله تا نزدیکترین نقطه:

تهران ۱۲۱۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- بنا بدستور نادرشاه یک نیروی دریائی قوی در نزدیکی این شهر تأسیس و به این شهر نام ابوشهر بمعنی پدر شهرها داد.

۲- عده‌ای نیز معتقدند که نام قبلی بوشهر نادریه بوده و در سال ۱۱۴۶ هجری قمری نادرشاه آنجا را نادریه نامید.

۳- گروهی بنای این شهر را به اردشیر ساسانی نسبت می‌دهند و گویند که نام اصلیش تخت اردشیر بود. و بوشهر تحریف شده ریشهر که یک شهر قدیمی است می‌باشد.

۴- ریشهر مخفف ریواردشیر است زیرا این شهر در زمان اردشیراول ساخته شده لذا به آن ریواردشیر یا شهر اردشیر گفته‌اند.

۵- بنای شهر را به سهراب کیانی داده‌اند لذا به نام لیان معروف شده است.

بهار

نام استان: همدان
 نام قدیم: چمن
 فاصله تانزدیکترین نقطه: همدان ۲۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- بعلت اسکان ایل بهارلو در منطقه به این نام خوانده شده است.
- ۲- بعلت وجود آب و هوای مطلوب و خوب به بهار معروف شده است.
- ۳- بعلت سرسبزی و خرمی منطقه به بهار معروف شده است.

بردسیر

نام استان: کرمان
 وسعت: ۶۰۶۹ کیلومتر مربع
 طول جغرافیائی: ۵۶ درجه و ۳۴ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۲۹ درجه و ۵۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۰۴۰ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: کرمان ۶۱ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- قبلاً این شهر را به اردشیر و یاوه اردشیر گفته اند که پس از ورود اعراب تبدیل به بردسیر شده است به اردشیر به معنی اردشیر خوب و یا شهر خوب اردشیر است.

بهبهان

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	ارجان
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۱۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۰ درجه و ۳۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۳۰۰ متر	وسعت:	۳۸۱۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۲۱۲ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- می گویند قباد شهری بساخت و آنرا به از آمد قباد نامید و آن شهر ارجان است و ولایتی را تابع آن قرار داد و معنی کلمه بهتر از آمد قباد است.
- ۲- ارجان معرب ارگان است که مشتق از کلمه آریاگان است که به معنی مکان آریائیان است البته آریاگان به معنی محل استوار آریائیان است.
- ۳- پس از شکست رومیان توسط قباد و تصرف شهر آمد رومیان فوق به ایران منتقل و در منطقه ای اقامت کردند که بعلت خوبی آب و هوای این شهر از آمد به آن به از آمد قباد گفته و سپس به صورت تخفیف بهبهان شده است.
- ۴- نام شهر را رام قباد به معنی شهر قباد ذکر کرده اند.
- ۵- ارگان نام قدیم بهبهان را به معنی ارزش و احترام گفته اند که حکایت از اهمیت شهر باستانی ارجان دارد.
- ۶- کلمه بهبهان از ریشه بغبغان به معنی مؤبد موبدان و یا شهر خداوند خداوندان است. علت نامگذاری را اهمیت مذهبی این شهر می دانند.
- ۷- بهبهان را تغییر یافته کلمه بهبهون می دانند. بهبهون نام باغستانی چسبیده به ارجان بوده است که در زبان لری به معنی خانه و محل سکونت اعم از خانه چادری و یا خشتی باشد.
- ۸- مردم این منطقه در ایام پیشین سیاه چادر نشین بوده اند و به سیاه چادرها بهان می گفته اند چون خانه های سنگ و گچی ساختند و آن را در زمستان و تابستان بهتر از سیاه چادر یافتند گفتند به بهان یعنی بهتر از سیاه چادر است از این جهت آنجا بنام بهبهان معروف شد.

بهشهر

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	اشرف
طول جغرافیائی:	۵۳ درجه و ۳۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵ متر	وسعت:	۳۱۰۶ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۴۶ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- چون سال بنای این شهر مطابق با سال ۱۰۲۱ هجری قمری است لذا چنانچه حروف دولت اشرف را با ارقام حروف ابجد محاسبه نمائیم عدد ۱۰۲۱ بدست می آید. لذا باید گفت ماده تاریخ این شهر علت نامگذاری این شهر بوده است.

۲- شاه عباس این شهر را اشرف البلاد یا نجیب ترین شهرهای ایران لقب داد.

۳- شاه عباس شهر اشرف را به نام اشرف الملوک ساخته و آنرا اشرف البلاد نام نهاد.

۴- سال ۱۳۱۵ شمسی نام اشرف به بهشهر که آنهم بمعنی بهترین شهرها است تبدیل یافت.

۵- نام شهر را به شهر گذاشته که به معنی بهترین شهرها است.

بیجار

نام استان:	کردستان	نام قدیم:	گروس
طول جغرافیائی:	۴۷ درجه و ۳۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۵۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۸۷۰ متر	وسعت:	۵۹۱۰ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سنندج ۱۴۰ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- به علت فراوانی درخت بید در منطقه که در زبان کردی به آن بی می گویند به آن بی جار که به معنی همسایه و یا مکان بید می باشد گفته اند.

۲- ناصرالدین شاه قاجار با امیر نظام گروسی شبی را در گردش بسر میرد مطلبی را ناصرالدین شاه در آن شب به امیر نظام گروسی اشاره مینماید که فردا صبح این مطلب به وسیله جارچی پخش شود و تا صبح همه مردم از این مطلب آگاه می شوند از اینرو آنرا شهر بی جار می نامند.

۳- در این شهر درخت بید فراوان بوده از اینرو به کردی به آن بی می گفتند و به لهجه کردها بی جار به معنای جایگاه بید می باشد.

بیدخت

نام استان: خراسان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: گناباد ۱۱ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- بیدخت نام ستاره زهره است و بعلت وجود نفوذ ادیان شرقی هندی در مناطق شرق ایران احتمال می دهند این مکان از مراکز پرستش ناهید بوده است.
- ۲- نام دختریکی از پادشاهان ایرانی بوده که در زمان رستم به این محل آمده و ساکن گشته است و نام خود را بر این مکان نهاده است.

بیدگل

نام استان: اصفهان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: کاشان ۱۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- به علت وجود درختان بید و گلهای مخصوص گلابگیری به آن بیدگل می گویند.
- ۲- می گویند در منطقه گل بیدمشک وجود داشته است لذا نام منطقه را بیدگل گذاشته اند.
- ۳- بنای این محل را به بی بی گل از دختران اوکتای قآن سبت می دهند لذا به نام وی بی بی گل و سپس بصورت تحریف شده بیدگل درآمده است.

بیده

نام استان: یزد
فاصله تا نزدیکترین نقطه: یزد ۵۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- در زمان حرکت یزدگرد به فارس یکی از سرهنگان وی به نام بیدار اقدام به آبادنی نقطه ای پرداخت که نام آنرا مشتق از نام بیدار بیده نامیدند.

بیستون

نام استان: کرمانشاه
فاصله تانزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۵۹ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- کلمه بیستون تغییر یافته نام بهستون و بغستون «جایگاه خدایان» می‌باشد و نشانه از مقدس بودن این کوهستان و این مکان است.
- ۲- کلمه بیستون ماخوذ از کلمه بغ است یعنی جایگاهی است برای پرستش خدایان مختلف

بیشاپور

نام استان: فارس
فاصله تانزدیکترین نقطه: کازرون ۳۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- بیشاپور مشتق شده از دو کلمه به و شاپور که به معنی شهری که خوب است یا مورد توجه شاهپور می‌باشد.
- ۲- بیشاپور از دو کلمه بی و شاهپور تشکیل می‌گردد که در لغت پهلوی به یابی به معنای خانه و سرا می‌باشد در نتیجه بیشاپور به معنی خانه و سرای شاهپور می‌باشد.

بیله سوار

نام استان: اردبیل
فاصله تانزدیکترین نقطه: اردبیل ۱۶۳ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- در زمان حکومت نادرشاه هنگامی که وی به سلطنت ایران انتخاب گردید برای رفتن به اصلاندوز جهت تاجگذاری در منطقه‌ای اقامت کرده است بعلت اینکه این محل اطراق‌گاه فیلهای همراه نادرشاه بوده است به آن پیل سوار یعنی جایی که مردم سوار پیل‌ها شده بودند نام گذاشته که بعدها به صورت بیل سوار و سپس بیله سوار گشته است.

بشاگرد

نام استان: هرمزگان فاصله تانزدیکترین نقطه: میناب ۱۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- کلمه بشاگرد ترکیب شده از کلمات به + شاهپور و گرد است که به معنی بهترین شهر شاهپور است. زیرا بنای آنرا به شاهپور ساسانی می دهند. بشاگرد از نقاط محروم استان هرمزگان محسوب می گردد.

بهمن شیر

نام استان: خوزستان

وجه تسمیه:

۱- مخفف بهمین اردشیر است. این نهر از ساخته های اردشیر اول می باشد وی دستور داد شهری نیز در کنار آن احداث نمایند از شهر اثری باقی نیست ولی رودخانه امروز به نام بانی وی بهمین شیر خوانده می شود.

پاپی

نام استان: لرستان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: منطقه‌ای است وسیع در لرستان

وجه تسمیه:

۱ - نام منطقه مشتق از زیارتگاهی است در این بخش که به نام شاه چراغ و یا شاهزاده احمد معروف است. خدام این امامزاده همگی عمامه قرمز بر سردارند و ملقب به پاپی یعنی پروانه هستند. علت اطلاق نام پروانه به خدام را بدین صورت ذکر کرده‌اند که خدام به دور این امامزاده می‌چرخند و چون همه مردم این بخش از نظر احترام خود را جزء خدام امامزاده می‌دانند نام پاپی را به محل و ساکنان آن اطلاق کرده‌اند.

پاتاوه

نام استان: کهگیلویه و بویراحمد

فاصله تا نزدیکترین نقطه: یاسوج ۶۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - توه یا تاوه بمعنی سنگ صاف و صخره صیقلی و سخت است و پا تاوه یعنی منطقه‌ای که در بای کوه‌های سخت با سنگ‌های صاف قرار دارد.

پاسارگاد

نام استان: فارس

فاصله تا نزدیکترین نقطه: مرودشت ۹۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - کلمه پاسارگاد تغییر یافته نام پارسه گرد به معنی شهر پارسها می‌باشد.

پاوه

نام استان:	کرمانشاه	نام قدیم:	اورامان
طول جغرافیائی:	۴۶ درجه و ۲۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵۴۰ متر	وسعت:	۴۱۱۹ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کرمانشاه ۱۴۸ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- نام پاوه از سردار معروف یزدگرد سوم یعنی پاوه گرفته شده است می‌گویند وی جهت جلوگیری از ورود سپاهیان عرب در منطقه اقدام به ایجاد دژ و پاسگاه نموده است و بناهای برج و بارو باقی مانده را نیز به آن نسبت می‌دهند.

پس قلعه

نام استان: تهران
وجه تسمیه:

۱- این محل در شمال شهر تهران و در درهٔ دربند قرار دارد. و چون پشت دروازه‌های تهران و ری بوده و در گذشته دروازه‌ها حکم قلعه داشته است به آن پس قلعه یعنی پشت قلعه نام داده‌اند.

پیرانشهر

نام استان:	آذربایجان غربی	نام قدیم:	خانه
طول جغرافیائی:	۴۵ درجه و ۸ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۴۶۰ متر	وسعت:	۲۴۰۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اورمیه ۱۲۰ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بلعت وجود مقابر پیران «بزرگان مذهبی» در این شهر به آن شهر پیران و یا پیران شهر نام داده‌اند.

۲- بلعت سکونت قوم پیران و طایفهٔ پیران در این شهر به آن پیران شهر نام داده‌اند.

پلدختر

نام استان: لرستان

فاصله تانزدیکترین نقطه: خرم آباد ۱۱۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - می گویند بعلت احداث پل توسط یک دختر به نام پل دختر معروف شده است.
- ۲ - روایت است که در دو طرف رودخانه کشکان پسر و دختری بیکدیگر دل داده بودند لذا جهت رسیدن به هم اقدام به احداث پل نموده و نام پل را کرو دختر و سپس پل دختر گذاشته اند.

پیرهداف

نام استان: خوزستان

وجه تسمیه:

- ۱ - این مکان بجا مانده و از بازماندگان و جزء اعتقادات مردم محلی است که می گویند در حمله اعراب یکی از امراء اعراب به نام پیرهداف در جنگ با مردم کشته شده و مسلمانان بر گور وی گنبد ساخته و بصورت زیارتگاهی درآمده است.

تاکستان

سیاه‌دهن	نام قدیم:	زنجان	نام استان:
۳۶ درجه و ۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه	طول جغرافیائی:
۳۶۴۷ کیلومتر مربع	وسعت:	۱۲۶۵ متر	ارتفاع از سطح دریای آزاد:
		زنجان ۱۵۰ کیلومتر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:
			وجه تسمیه:

۱- بعلت داشتن درختان انگور و باغ انگور بسیار به این نام شهرت یافته است.

۲- بعلت وجود درختان فراوان به آن سیاه‌دهن گفته می‌شد زیرا دشت و منطقه از فاصله دور سیاه بنظر می‌رسیده است.

تایباد

۵۰۸۴ کیلومتر مربع	وسعت:	خراسان	نام استان:
۳۴ درجه و ۴۵ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۶۰ درجه و ۴۵ دقیقه	طول جغرافیائی:
۲۲۹ کیلومتر	فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد	۸۱۰ متر	ارتفاع از سطح دریای آزاد:
			وجه تسمیه:

۱- تایباد از دو قسمت تایی + باد که در اصل تایی بار بوده است که تایی به معنی طاقه و جامه و بار نیز به معنی فراوانی است لذا منسوب به تولیدات نساجی منطقه می‌باشد.

۲- تایباد در اصل پای باد بوده که به معنی منطقه بادخیز است و بمرور زمان به تایی باد تبدیل شده است.

تبریز

نام استان:	آذربایجان شرقی	وسعت:	۹۳۷۱ کیلومتر
طول جغرافیائی:	۴۶ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۸ درجه و ۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳۶۶ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۶۲۴ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- نوشته‌اند که در ایالت اتور پاتن یعنی آذربایجان کنونی متصل به ارمنستان شهری به نام داورژ بنا گذاشته شده بود این کلمه به مرور زمان به تاورژ و تاوریز تغییر یافته و سپس با اختلاط زبان عربی و فارسی ژبهز تبدیل و تاوریز به تاوریز و توریز و تبریز تغییر یافته است.

۲- کلمه تبریز به معنی ریزنده تف و تاب می‌دانند و این نام را با آتشفشان دیرین یعنی کوه سهند مربوط دانسته‌اند.

۳- چون در دامنه کوه سهند چشمه‌های آب گرم ریزان و جوشان وجود داشته لذا ممکنست به این سبب اینجا را تف‌ریز تبریز یعنی گرم‌ریز، گرم‌ایز نام داده باشند.

۴- تاورژ ارمنی به معنی این برای انتقام یا جای انتقام است و داستان بدین مضمون است که تبریز را خسرو اشکانی حکمران ارمنی برای انتقام گرفتن از اردشیر نخستین پادشاه دودمان ساسانی قاتل اردوان آخرین پادشاه پارت بنا کرده است.

۵- می‌گویند زبیده خاتون همسر هارون الرشید خلیفه عباسی به تب‌نوبه مبتلا شد چون هنگام اقامت در این شهر بوسیله پزشکان و در اثر لطافت هوا شفا یافت این شهر را تبریز نام گذاشتند.

۶- اعتقاد دارند در زمانهای کهن در جای این شهر آتشکده‌ای وجود داشته که نام آن تاب‌ریز بوده است و لذا پس از مدت‌ها نام منطقه از تاب‌ریز به تبریز تغییر یافته است.

۷- در زمان مردم بومی قدیم نام منطقه توری بوده است که در نوشته‌ها به شکل توریز آمده تو به معنی گرم و تب است در زبان آذری و ری نیز به معنی چشمه است که در مجموع به نام رود گرم و یا گرم آب خواهد بود. علت این نامگذاری را وجود آبهای گرم و معدنی اطراف کوه سهند و جلگه مابین سهند و سبلان می‌دانند.

۸- توریز به معنی جاری شدن و یا جاری بودن در زبان پهلوی است لذا مشتق از چشمه‌های آب معدنی می‌دانند.

تربت جام

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	زام - بوزجان
طول جغرافیائی:	۶۰ درجه و ۳۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۱۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۹۱۰ متر	وسعت:	۸۳۶۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۱۶۵ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- این شهر مدفن شیخ احمد جام عارف ملقب به زنده پیل می‌باشد و به همین علت بنام تربت جام نامیده می‌شود.

تربت حیدریه

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	زاوه
طول جغرافیائی:	۵۹ درجه و ۱۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳۵۰ متر	وسعت:	۱۴۸۸۸ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۱۶۲ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- محل زندگی و مدفن پیر روشندل قطب‌الدین حیدر است که به‌همین نام محل دفن وی را تربت حیدریه می‌نامند.

تفرش

نام استان:	مرکزی	وسعت:	۳۱۲۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۴ درجه و ۴۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۹۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۹۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- کلمه تفرش به معنی چشمه یا آبگرم است و علت نامگذاری را وجود چشمه‌های آبگرم اطراف این شهر می‌دانند.

تکاب

نام استان: آذربایجان شرقی
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۲۴ دقیقه
 طول جغرافیائی: ۴۷ درجه و ۶ دقیقه
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: میان دو آب ۱۴۳ کیلومتر
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۷۹۰ متر
 وجه تسمیه:

۱- به معنی تنک آب یا آب باریک و یازمینی که آب کم و باریکی در آن جاری باشد می باشد. علت را کم بودن آب در این منطقه ذکر کرده اند.

تنب

نام استان: هرمزگان

وجه تسمیه:

۱- تغییر یافته کلمه تمب به معنی تپه و زمین برآمده کم ارتفاع است. این مکان بصورت جزیره ای که از آب سر بیرون زده شده دیده می شود لذا به آن تنب یعنی زمین برآمده کم ارتفاع گفته اند.

تنکابن

نام استان: مازندران
 نام قدیم: شهنسوار
 طول جغرافیائی: ۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۴۹ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۰ - متر
 وسعت: ۲۱۴۰ کیلومتر مربع
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۲۲۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- روزی آغامحمدخان قاجار از سفر گیلان باز می گشت، کاروان شاه در قریه ای که در کنار ساحل قرار داشت سکونت گزیدند پس از یکشب استراحت قریه را ترک کردند ولی ناگهان متوجه شدند شیئی قابل توجه را در قریه ای که اسمش بخاطر آنها نماند، جا گذاشته اند وقتی از اطرافیان تحقیق کردند آنها نیز نام محل را نمی دانستند و می گویند در همانجائی که شاه سوار شد و بدین ترتیب نام محل مزبور شهنسوار گردید.

۲- تنکابن یعنی پائین تر از تنکا و تنکا نام قلعه ای بوده است که در سال ۷۸۹ هجری از بین رفته شهر امروز در گذشته در کنار این قلعه که معروف به دژ تنکا بوده قرار داشته است.

توسیرکان

نام استان:	همدان	نام قدیم:	رودآور
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۲۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۸۵۰ متر	وسعت:	۱۴۶۳ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	همدان ۹۳ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- این شهر از دو کلمه توی و سرکان ترکیب شده است که نام دو محل بزرگ در کنار هم بوده است که از ترکیب دو محل به این نام حادث گردیده است.
- ۲- می گویند توی و سرکان نام دو تن از بزرگان قدیمی منطقه بوده اند که هر یک با اطرافیان خود در محلی زندگی می کرده اند لذا به محل زندگی آن دو نام خودشان را اطلاق کردند از ترکیب این دو مکان توسیرکان بوجود آمده است.

تهران

نام استان:	تهران	وسعت:	۸۶۵ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۱ درجه و ۲۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۱۱۰ متر		
وجه تسمیه:			

- ۱- تهران به معنی گرمستان است یا گرمگاه و این معنی در مقابل شمیران است به معنی سردستان
- ۲- تهران را در اول طاهران می گفته اند علت که تیره ای از سلسله طاهریان در این جا سکونت داشته اند.
- ۳- عده ای نیز می گویند که بعلت ترس از راهزنان و دشمنان خانه های مردم این قصبه در زیر زمین ساخته شده بود و چون کوچه های عبوری از دیوارها پائین تر بوده و از سطح زمین نیز قدری پایین تر بوده به آن تهران که از دو جزء ته بمعنی زیر و کف و ران به معنی جا و مکان و در کل به معنی ته زمین یا زیر زمین تعبیر شده است.
- ۴- عده ای نیز اعتقاد دارند در گذشته به خاطر وجود درختان ته «تاغ» این مکان بنام تهران معنی جا و مکان

درختان ته یا تاغستان نامگذاری شده است.

تفت

نام استان:	یزد	طول جغرافیائی:	۵۴ درجه و ۱۳ دقیقه
عرض جغرافیائی:	۳۱ درجه و ۴۴ دقیقه	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	یزد ۲۶ کیلومتر
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۷ متر	وسعت:	۶۸۹۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱ - تفت در لغت به معنی گرما خورده می‌باشد. علت را نزدیکی به کویر و همچنین گرمای منطقه نام برده‌اند.

۲ - تفت به معنی سبد و طبق میوه است و چون پر از باغات میوه می‌باشد بدین نام معروف گشته است.

تخت جمشید

نام استان:	فارس	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مرو دشت ۱۰ کیلومتر
نام اصلی:	پارسه	ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۷۰ متر
وجه تسمیه:			

۱ - پارسه به معنی شهر پارسیها می‌باشد.

۲ - در نزد ایرانیان عوام حکومت هخامنشی پادشاهان افسانه‌ای پیشدادی و نیمه تاریخی کیانی توأم گشته و بنای شکوهمند پارسه را به جمشید پادشاه افسانه‌ای نسبت داده و به آن قصر جمشید گفته که بعدها به صورت تخت جمشید تغییر نام داده است.

جاجرم

نام استان: خراسان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: بجنورد ۱۳۹ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- اصل کلمه جاگرم بوده است که بصورت معرب جاجرم شده است. علت ذکر این معنی وجود آب و هوای گرم در منطقه است.

جاجرود

نام استان: تهران
فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۱۷ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- مخفف کلمه جاییج رود می باشد. معنی لغوی آن جای کنار رود است که بر اثر کثرت استعمال به جاجرود تغییر داده شده است.

جلفا

نام استان: آذربایجان شرقی
فاصله تا نزدیکترین نقطه: تبریز - ۱۳۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- در لغت به معنی بافنده است و چون شغل اهالی عموماً بافندگی است به این منطقه جلفا گفته شد.
۲- در زمان شاه عباس جهت رونق بافت پارچه های ابریشمی عده ای از ارامنه جلفای آذربایجان به اصفهان کوچانیده شدند و در نتیجه محل اسکان آنان را جلفا نامیدند.

جم

نام استان: بوشهر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: بوشهر ۲۶۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- بنای آنرا به جم فرزند طهمورث نسبت می دهند لذا به نام بانی آنرا جم می نامند.

جندق

نام استان: اصفهان فاصله تا نزدیکترین نقطه: نائین ۲۶۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- کلمه جندق معرب گندک است و به معنی شهرک است یعنی شهر کوچک

جنگاه

نام استان: کرمانشاه فاصله تا نزدیکترین نقطه: پاوه ۱۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- محل نبرد مابین اهالی پاوه و نیروهای سعدوقاص است که در نزدیکی شهر پاوه قرار دارد و لذا به محل

نبرد جنگاه گفته‌اند.

جوانرود

نام استان: کرمانشاه فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۱۰۵ کیلومتر

طول جغرافیائی: ۴۶ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۴ درجه و ۴۸ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۲۸۰ متر

وجه تسمیه:

۱- نام خود را از رودخانه‌ای به نام جوان گرفته است.

۲- روایت است که این رودخانه در مابین رودخانه‌های منطقه جوانترین رودخانه محسوب می‌گردد.

۳- روایت می‌باشد که جوانی جهت انتقال آب به زمین کشاورزی خویش به احداث این رودخانه همت

گماشته است لذا به یاد وی جوانرود نامیده شده است.